



رها کردن خود در دست نیروهایی می بینند که فقط به سود خود می اندیشند؛ از این رو دولت را نوعی پناه می دانند که در شرایط پرخطر باید حامی آنها باشد.

**گرانی یا کاهش بیکاری؟** پرسیده شد: «از بین سیاست کاهش گرانی و کاهش بیکاری کدام را انتخاب می کنید؟» کمی بیش از نیمی از پاسخگویان با کاهش بیکاری موافق بودند. ۵۲/۵ درصد بین سیاست کاهش گرانی و کاهش بیکاری، اولی را برگزیده اند. **ریشه اصلی تورم:** نتایج به دست آمده نشان می دهد در باره علل ریشه ای تورم در جامعه ایران تفاوت نظر دیده می شود. نزدیک به یک سوم از پاسخگویان این پدیده را به رفتار زیاده خواهانه و سودجویانه فردی یعنی گران فروشی نسبت می دهند (۳۰/۶ درصد)، یک سوم دیگر از پاسخگویان علت این پدیده را رفتار دولت در افزایش نقدینگی می دانند (۳۲/۸ درصد) و حدود یک چهارم هم آن را با مشکل کلی اقتصاد ایران و رشد پایین مرتبط می دانند (۲۳/۹ درصد). به این ترتیب، اکثریت افراد تورم را حاصل وضعیت اقتصادی و نقش دولت در آن می دانند.

**اقتصاد دولتی یا خصوصی:** درباره میزان مداخله دولت در اقتصاد دو نظر عمده در کشور وجود دارد. در این باره به افراد نمونه گفته شد: بعضی ها می گویند دولت باید پای خود را از اقتصاد بیرون بکشد و فعالیت اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کند و فقط سیاست گذاری و نظارت کند. بعضی ها هم می گویند دولت باید اقتصاد را در کنترل خودش داشته باشد و بیشتر فعالیت های اقتصادی را خودش انجام دهد. شما با کدام نظر موافقت می کنید؟ این پرسش درباره بخش خصوصی جنبه ای دیگر از نقش دولت را در اقتصاد می سنجد. در اینجا هم وضعیت دو قطبی در افکار عمومی دیده می شود. بیش از نیمی از افراد (۵۶/۳ درصد) خواهان کنترل دولت بر اقتصاد هستند و کمتر از نیمی خواهان واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی (۴۳/۷ درصد). در تفسیر این یافته این ملاحظه را نباید از نظر دور داشت که معنای عبارتی مثل کنترل دولت یا واگذاری به بخش خصوصی نزد مردم

شاید متفاوت از معنای آن در ذهن اقتصاددانان یا روشنفکران باشد. براساس یافته های همین نظرسنجی می توان نشانه هایی را یافت که بخشی از پاسخگویان دریافت متفاوتی از این نوع گزاره ها دارند، برای مثال با آنکه با کنترل دولت در اقتصاد مخالف هستند ولی قیمت گذاری را توصیه می کنند.

**سیاست مالیاتی:** درباره سیاست مالیاتی نیز دو دیدگاه وجود دارد که این دو دیدگاه در قالب این جمله برای افراد نمونه توضیح داده شد: در مورد بودجه و مالیات بعضی ها معتقدند دولت برای آنکه بتواند حقوق بدهد و کشور را اداره کند باید مالیات بیشتری بگیرد. بعضی ها هم می گویند الان وضع مردم خوب نیست و دولت باید هزینه هایش را کمتر کند و مالیات کمتری بگیرد. شما با کدام موافقت می کنید؟ این یافته نشان می دهد که اکثریت بزرگی از پاسخگویان با سیاست های افزایش مالیات موافق نیستند (۸۹/۷ درصد). از آنجایی که افزایش مالیات تغییری در وضعیت اداره کشور نداده است، شاید بتوان گفت از دید پاسخگویان سیاست مالیاتی دولت برای تأمین هزینه های خود است نه اداره کشور.

**تعیین قیمت خودرو:** درباره تعیین قیمت خودروی داخلی دو دیدگاه وجود دارد که این دو دیدگاه به شکل زیر برای پاسخگویان بیان شد: بعضی ها می گویند دولت باید اجازه بدهد خودروسازان به قیمت بازار به هر کس که متقاضی است خودرو بفرشند. بعضی ها هم می گویند دولت باید قیمت خودرو را تعیین کند و خودروسازان از طریق قرعه کشی آن را بفرشند. شما با کدام یک بیشتر موافقت می کنید؟ ۵۲/۲ درصد از پاسخ دهندگان با تعیین قیمت خودرو توسط دولت و فروش با قرعه کشی موافق بودند که این یافته هم تناقض دیگری را در آگاهی جمعی درباره سیاست های اقتصادی نشان می دهد.

### جمع بندی

در نهایت یافته های این نظرسنجی چند جنبه کلی و مهم را نشان می دهند که درک عمومی از برخی مفاهیم یا سیاست های اقتصادی متفاوت با معانی تخصصی است. برای مثال، بخشی از اقبال و گروه های اجتماعی، دولت را پناهگاهی می دانند و شرایطی که از شکنندگی زندگی در هراس هستند و سقوط اجتماعی و اقتصادی خود را محتمل و نزدیک می دانند، از دولت به منزله پناهگاهی انتظاراتی دارند و بر این اساس موقعیت و نقش آن را در اقتصاد ارزیابی می کنند. البته ممکن است یک تحلیل اقتصادی دولت و مداخله آن در اقتصاد روی داده است و در نتیجه روی آوردن مردم به عامل مشکلات به عنوان پناهی برای حل مشکلات تناقض داشته باشد ولی باید در نظر داشت که افکار عمومی را نمی توان با متر تخصصی ارزیابی و غلط گیری کرد بلکه این نیرو به عنوان یک واقعیت اجتماعی در زندگی عمومی اثر خود را خواهد گذاشت. به عبارت دیگر برای فهم آنچه مردم احساس می کنند یا عقیده دارند نباید با متر تخصصی مواجه شد.

همچنین جنبه دیگری از ساختار افکار عمومی در این باره وجود یک فضای قطبی شده در باره موضوعات اقتصادی است. این وضعیت کم و بیش در عرصه های دیگر هم دیده می شود و به عبارت دیگر می توان گفت افکار عمومی قطبی شده در حوزه اقتصاد یکی از نمودهای قطبی شدن جامعه ایران است. نکته دیگر پایین بودن انسجام درونی عقاید است؛ مثلاً بخشی از پاسخگویان هم سیاست قیمت گذاری را تأیید می کنند و هم قیمت بازار را و هم زمان به خودکفایی و سیاست تبادل و حضور در بازار جهانی اعتقاد دارند که می توان به این نتیجه رسید که ناسازگاری در افکار عمومی نتیجه ضعیف بودن گفت و گوی عمومی درباره مباحث اقتصادی است.

### نگاه کارشناس

## وحید شقاقی شهری پژوهشگر اقتصاد:

# تحلیل اقتصاد کلان برای مردم مهم نیست

دارند. این تناقض ها به این دلیل نیست که اقتصاددانان و روشنفکران اقتصادی فهم درستی از اقتصاد به مردم ارائه نکرده اند؟

ببینید عموم مردم به دنبال نتیجه هستند و آن را فهم می کنند؛ به عنوان مثال وقتی فردی بیمار می شود کاری به این ندارد که پزشک با چه دارو و تدبیری او را معالجه می کند بلکه سلامتی و درمان برای بیمار مهم است. قرار هم نیست مردم درک عمیق از راهبردها و سیاست های اقتصادی داشته باشند، آنها به وعده ها و عملکرد اقتصاددانان نگاه می کنند و چون خیلی از این وعده ها به نتیجه نرسیده، دید مردم نیز کوتاه مدت شده است. در هیچ جای دنیا نیز عموم مردم به اقتصاد به صورت تخصصی نگاه نمی کنند. مسئله اصلی برای آنها، اعتماد است، اگر مردم به مدیران اقتصادی اعتماد داشته باشند عملاً راهبردهای آنان را می پذیرند و به اینگونه مسائل ورود نمی کنند. مثلاً در بحث قیمت گذاری ها ممکن است حتی اقتصاددانان نیز هیچ گاه به یک نتیجه مشخص نرسند پس نمی توان گفت کدام راه درست یا غلط است و باید نتیجه را دید. همین روایت های مختلف این علامت سوال را برای مردم ایجاد کرده است که پس کدام راه درست است؛ مثلاً عده ای را به این نتیجه رسانده که با بگیر و ببند می توان قیمت ها را کنترل کرد و عده دیگر به دنبال نظارت های قوی هستند که نشان از یک نگاه عوامانه و کوتاه مدت به بحث اقتصاد است اما مثلاً من اقتصاددانان با تجربه هایی که در طول سال ها به دست آورده ام به این نتیجه رسیده ام که در هیچ جای دنیا قیمت گذاری دستوری کارآمد نبوده است. اصولاً نباید این انتظار را نیز داشته باشیم که مردم نسبت به راهبردها و سیاست های اقتصادی آشنایی کامل داشته باشند. در همه جای دنیا مردم یک رئیس دولت انتخاب می کنند تا او با تیم اقتصادی خود وعده های اقتصادی خود را پیش ببرد و اگر موفق نبود مردم در انتخابات بعدی، فرد دیگری را انتخاب می کنند. به هر حال اقتصاد و اقتصاددانان هاینز طیف ها و نظرات مختلفی دارند، من نیز به عنوان اقتصاددان، راهکارهایی برای اقتصاد ایران دارم که البته در زمان های مختلف این راهکارها تغییر می کند و قطعاً راهکاری که ۱۰ سال پیش ارائه می دادم اکنون دیگر پاسخگو نیست و این ایراد محسوب نمی شود.

آیا نگاه عامه مردم درباره مسائل و امور اقتصادی با اقتصاددانان و حکمرانان اقتصادی متفاوت است؟ آیا مردم ایران نگاه درستی به اقتصاد کشور دارند و اصولاً باید همه مردم به اقتصاد و حتی مسائل سیاسی و اجتماعی، نگاه تخصصی داشته باشند؟ وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت و گو با «هم میهن» به این پرسش ها پاسخ داده و گفته اصولاً تحلیل اقتصاد کلان برای مردم مهم نیست و نتیجه برای آنها مهم است. او گفته چون اکثر وعده های اقتصادی دولت ها به نتیجه نرسیده مردم در سیاست های اقتصادی دید کوتاه مدت پیدا کرده اند.

### آیا فکر می کنید بین دیدگاه های اقتصادی مردم با تئوری های اقتصادی، نظرات اقتصاددانان کشور و عملکرد مجریان اقتصادی تناقض وجود دارد؟

واقعیت همین است. برای مردم تحلیل اقتصاد کلان مهم نیست و البته در سیاست های اقتصادی دید کوتاه مدت دارند چون مثلاً وقتی مالیات افزایش پیدا کند طبیعتاً سفره مردم است که تحت تأثیر قرار می گیرد. نکته جالبی بگویم؛ بنده در کانالی عضو هستم که اعضای هیئت علمی دانشگاه در آن حضور دارند که همه تحصیلات عالییه دارند اما من در آنجا می بینم مثلاً فارغ از اینکه کسری بودجه بیشتر خواهد شد یا کمتر و یا وضعیت صندوق های بازنشستگی چه خواهد شد، بیشتر بحث ها در خصوص حقوق و دستمزد است که حقوق شان بیشتر می شود یا خیر. حالا بنده هر چقدر هم به عنوان اقتصاددان از این بگویم که افزایش مالیات ها در بلندمدت به نفع اقتصاد است و یا اصلاحات اقتصادی سختی های خاص خود را خواهد داشت، خیلی به آن بها داده نمی شود و همه به دنبال تصمیماتی هستند که سریع اثرگذار باشد. حتی سیاستمداران و مسئولان اقتصادی ما نیز اینگونه هستند و آینده دور و دراز را نمی بینند و فقط می خواهند هر مسئله را به فوریت حل کنند.

### در نظرسنجی ای که صورت گرفته، مردم در جایی می گویند که مثلاً با دخالت دولت در امر قیمت گذاری موافق هستند اما در جای دیگر از دخالت های دولت گلاهی

در گردش کلیه بخش های اقتصادی (مبلغ ۲۹۰۳۰۹ هزار میلیارد ریال) است. ملاحظه می شود از ۱۴۰۲۱۴/۷ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن معادل ۸۱/۷ درصد آن (مبلغ ۱۱۰۶۰۹۰۴ هزار میلیارد ریال) در تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده است که بیانگر توجه و اولویت دهی به تأمین منابع برای این بخش توسط بانک ها در سال ۱۴۰۲ است. **تسهیلات خرد (کمتر از ۳۰۰ میلیون ریال)**

از کل تسهیلات پرداختی در دوره یادشده، مبلغ ۱۱۰۵۷۱/۲ هزار میلیارد ریال معادل ۲۴/۱ درصد به صورت تسهیلات خرد اعطا شده است. همچنین مبلغ ۹۳۶/۸ هزار میلیارد ریال نیز در قالب کارت های اعتباری انجام پذیرفته است، که با احتساب این مبلغ، کل تسهیلات پرداختی خرد (کمتر از سه میلیارد ریال) به مبلغ ۱۲۰۵۰۸۰/۶ هزار میلیارد ریال معادل ۲۵/۶ درصد کل تسهیلات پرداختی را شامل می شود. شایان ذکر است با توجه به اینکه تسهیلات پرداختی در قالب کارت های اعتباری نیز در بخش خانوار پرداخت شده است، با این اوصاف سهم بخش خانوار از ۱۹/۵ به ۲۰/۵ درصد کل تسهیلات پرداختی افزایش می یابد.

### توضیح هم میهن

بانک مرکزی در حالی از توفیق در هدف کاهش تورم سخن می گوید که در سالی که با شعار مهار تورم آغاز شده بود تورم را با ۴۰ درصد به پایان رساند. تکیه مسئولان بر کاهش ۹ درصدی تورم در این سال است اما با وجود کاهش ۹ درصدی همچنان تورم بالایی در کشور وجود دارد. در واقع تورم ۴۰ درصدی نمی تواند به معنای مهار تورم باشد. ابراهیم رئیسی در مناظره های انتخاباتی گفته بود می خواهد تورم را در گام اول نصف و در گام بعد تک رقمی کند. آن زمان که این شعار را می داد تورم ۴۱ درصد بود. او نه تنها در تحقق این هدف موفق نبود بلکه تورم در دوره او تا ۴۹ درصد نیز افزایش یافت. با وجود اقدامات بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی اما همچنان نرخ تورم محدوده ۴۰ درصد را حفظ کرده است و بازارها به رغم تأکید مسئولان بانک مرکزی، آرامش ندارد. آنچه به عنوان رشد اقتصاد در سال گذشته بر آن تأکید می شود نیز عمدتاً به دلیل اقبال دولت سیزدهم در مقوله فروش نفت و آورده های ارزی بیشتر این حوزه نسبت به دولت قبل است. هر چند اصلاح شرایط اقتصادی به دلیل اعمال فشارهای متعدده به اقتصاد ایران برای هر دولت و هر گروه و جناحی دشوار است اما در اقدامات مسئولان دولت سیزدهم حرکت مؤثری در سمت شعارها و ادعاها دیده نمی شود.

بانک مرکزی به دنبال آن است که به بانک های ناتراز برای اجرای برنامه های اصلاحی کمک نماید. همچنین تلاش می شود تا با هدفگیری مدیران شبکه بانکی، مشکلات برطرف گردد. البته باید توجه نمود در هر شرایط اصول بانکداری باید در همه زمینه ها رعایت شود.

در سال جدید قانون جدید بانک مرکزی اجرایی خواهد شد. این قانون در برخی موارد اختیارات جدیدی را در حوزه نظارت به بانک مرکزی داده است. انتظار می رود توسعه سامانه های نظارت ادامه یابد تا بانک مرکزی بتواند نظارت بر خط داشته باشد.

### رشد ۲۸ درصدی تسهیلات پرداختی توسط شبکه بانکی طی ۱۱ ماهه سال جاری

تسهیلات پرداختی بانک ها طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۲ مبلغ ۴۷۰۹۴۸۰ هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۰۰۴۹۰ هزار میلیارد ریال (معادل ۲۸ درصد) افزایش داشته است. سهم بخش خانوار نیز با احتساب کارت های اعتباری اعتباری اعطا شده، به ۲۰/۵ درصد کل تسهیلات پرداختی در این مدت افزایش یافت.

گفتنی است تسهیلات پرداختی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ مبلغ ۳۶۶۹۳/۹ هزار میلیارد ریال بوده است که با در نظر گرفتن تعدیلات صورت پذیرفته توسط شبکه بانکی به مبلغ ۳۷۴۵۷/۵ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است. براساس این گزارش از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۳۸۰۸۵۷/۶ هزار میلیارد ریال معادل ۸۱ درصد به صاحبان کسب و کار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۹۰۰۳۰/۲ هزار میلیارد ریال معادل ۱۹ درصد به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در کلیه بخش های اقتصادی طی ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۲ مبلغ ۲۹۳۰۹۰۵ هزار میلیارد ریال معادل ۷۵/۴ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب خرید کالای شخصی توسط مصرف کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۳۰۷۳۴/۳ هزار میلیارد ریال معادل ۴۱/۱ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) است. سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۲ معادل ۱۱۰۶۰۹/۴ هزار میلیارد ریال بوده است که حاکی از تخصیص ۲۹/۶ درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه

### فعالان خصوصی



### سکه عقب نشینی کرد

قیمت سکه با افت تقاضا کاهش پیدا کرد. محمد کشتی آرای، نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران به ایلنا گفت: قیمت طلا کاهش پیدا نکرده و نرخ انس جهانی هم همچنان روند صعودی را ادامه داده و به ۲ هزار و ۳۳۰ دلار رسیده است. او گفت: به دلیل کاهش تقاضای خرید، قیمت سکه کاهش پیدا کرده است. او ادامه داد: در حال حاضر حساب سکه در محدوده ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است اما طلا حباب ندارد و قیمت آن واقعی و براساس قیمت انس جهانی و نرخ دلار تعیین می شود. کشتی آرای با بیان اینکه علت ایجاد حباب در سکه میزان عرضه و تقاضا است، اظهار داشت: با کاهش تقاضا برای خرید سکه، حباب سکه کاهش و در نهایت قیمت نهایی هم کاهش پیدا کرد البته قیمت طلا کاهش پیدا نکرده و نرخ انس جهانی هم همچنان روند صعودی را ادامه داده و به ۲ هزار و ۳۳۰ دلار رسیده است.



### حذف دلار از مبادلات تهران - پکن

در حال حاضر در تجارت ایران و چین، دلار مبادله نمی شود و دلار تنها مبنای ارزش گذاری کالاهای تجاری است و معادل نفتی که ایران به چین می فروشد کالا یا ارزهای دیگر کشورها را دریافت می کند. مجیدرضا حریری، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین به ایلنا گفت: در سال ۲۰۲۳ میلادی روابط ایران و چین رشد ۳۰ درصدی را نسبت به سال ۲۰۲۲ تجربه کرد و این رشد ۳۰ درصدی در دو ماه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی (ژانویه و فوریه) که تاکنون آمار آن منتشر شده نیز نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۳ برقرار است. او گفت: روابط ایران و چین رابطه ای به کل منظم و تعریف شده است و چندان از اتفاقات بیرونی تأثیر نمی پذیرد. این رابطه از بیش از یک دهه گذشته آغاز شده و همچنان در جریان روبه رشد با وجود افت و خیزها ادامه دارد و با هدف برقراری در درازمدت تعریف شده است.



### کاهش کشتار دام داخلی

تأمین مناسب گوشت قرمز وارداتی موجب شد که کشتار دام ماده داخلی به زیر ۲ درصد برسد. منصور پوریان، رئیس شورای تأمین کنندگان دام به باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: برنامه ریزی و مدیریت واردات گوشت قرمز منجر به افزایش زایش دام و پرکردن خلأ صنعت دامی شد. به گفته او، استمرار در واردات و عرضه با قیمت مصوب موجب شد تا قیمت گوشت قرمز گرم وارداتی و منجمد تغییری نکنند. پوریان قیمت هر کیلو گرم گوسفندی را ۲۸۵ هزار تومان، سردست گوساله ۲۷۵ هزار تومان، گوساله منجمد ۲۸۵ هزار تومان و لاشه گوسفندی را ۲۸۵ تا ۲۹۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: قیمت کنونی هر کیلو لاشه گوساله داخلی در محدوده ۳۸۵ تا ۳۹۰ هزار تومان و نرخ انواع شقه گوسفندی ۴۸۵ هزار تومان است. او گفت: فروردین امسال به سبب برنامه ریزی مناسب شاهد افزایش عرضه گوشت های وارداتی گرم و منجمد در کنار تولید داخل بودیم.